



یادداشت

امام زاده "رئیس" کور اگر نکند شفا نمی دهد!

صادق کار



هاشم شمشیری (رئیس کانون بازنشستگان صنایع مخابرات راه دور شیراز) روز گذشته در گفتگو با خبرگزاری ایلنا از اجرا نشدن دستور ابراهیم رئیسی رئیس قوه قضاییه رژیم در مورد پرداخت مطالبات سنواتی و حقوقی کارگران بازنشسته صنایع مخابراتی راه دور شیراز شکوه و آن را خلاف مصوبه ابراهیم رئیسی خواند.

اشاره هاشم شمشیری به مصوبه‌ای است که در ۲۲ خرداد ۹۹ هنگام سفر رئیسی به شیراز به دستور قاضی القضاات حکومت جهت پرداخت دیون کارگران تصویب کرد. مطابق مصوبه مذکور دیون کارفرمای کارخانه صنایع مخابرات راه دور به بازنشستگان قرار بود حداکثر ظرف یک ماه پس از تصویب آن، توسط کارفرما به آنها پرداخت شود. ولی به گفته وی با گذشت سه ماه از مهلت مقرر مصوبه رئیسی که کلی شوق و ذوق در میان کارگران و مردم شهر برانگیخت هنوز عملی نشده است!

به گفته (رئیس کانون بازنشستگان صنایع مخابرات راه دور شیراز) مجموع دیون کارفرمای خصوصی صنایع مخابرات راه دور شیراز به کارگران بابت طلب مزدی و سنواتی ۱۰ سال گذشته ۳۵ میلیارد تومان است که با احتساب خسارت دیرکرد آن به ۲۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

به گفته وی ۴۰ روز بعد از سفر رئیسی خبر واریز شدن بخشی از دیون کارفرما به حساب دادگستری شیراز هم منتشر شده اما پس از مراجعه به دادگستری فهمیده‌اند که پولی به حساب دادگستری که ظاهراً نقش واسطه بین



کارگران و کارفرما را داشته و اریز نشده. با این اوصاف اما هاشم شمشیری گفته است به جدی بودن رئیسی و دخالت قوه قضاییه در این قضیه امیدوار است.

دخالت رئیس قوه قضاییه در این قضیه صنفی در واقع به دعوت رئیس کانون بازنشستگان که یک تشکل وابسته به (خانه کارگر) است زمانی انجام گرفت که اعتراضات بازنشستگان و کارگران این موسسه به شدت بالا گرفته بود. بالا گرفتن اعتراضات در آن مقطع هم مسئولین دولتی و هم سهامداران شرکت را تحت فشار قرار داده بود. مصوبه کاذب رئیسی در واقع ترفندی بود برای آرام کردن و به بیراهه بردن اعتراضات حق طلبانه کارگران و کاستن از فشار اعتراضات. دخالت حساب شده رئیسی در مسائل کارگری البته محدود به این یک مورد نبود. او و عوامل اش در دستگاه قضایی و سایر نهادهای قدرت نزدیک به آنها در بسیاری از اختلاف کارگری - کارفرمایی از ماشین سازی تبریز و اراک گرفته تا هفت تپه و کشت و صنعت مغان دخالت کردند تا نیت و منافع گروهی خودشان را زیر پوشش عدالتخواهی توسعه دهند. این دخالتها در حالی انجام می شد که ربط مستقیمی با دستگاه قضایی و رئیسی نداشت و ندارد. مرجع مقدم رسیدگی به این اختلافات تشکلهای کارگری - کارفرمایی و بعد از آن وزارت کار و دولت و گروه‌های حل اختلاف می بایست باشند. تشکیلات خانه کارگر و شوراهای اسلامی زیر مجموعه آن نیز که خوار و ذلیل تر از آن هستند که بتوانند نقش مثبتی در اعتراضات و احقاق حق پایمال شده کارگران به عهده بگیرند، در این راه به رئیسی کمک کردند و در مورد او تا توانستند توهم پراکنی کردند. هدف هر دوی آنها به بیراهه بردن اعتراضات کارگری، جلوگیری از گسترش آنها و سئواستاده از کارگران برای پیشبرد مقاصد جناحی است. نتیجه هیچ یک از دخالت های دارودسته رئیسی تا کنون در جهت تقویت منافع و حقوق کارگران نبوده است. همین باعث شده تا توهماتی که رئیسی و طرفداران وی تلاش کردند در میان توده کمتر آگاه کارگران نسبت به ماهیت و اهداف این جنایتکار بوجود آورند و از او چهره‌ای نجات بخش و مشکل گشا نزد توده‌های ستم‌دیده از بیداد حکومت بسازند به سرعت برق و باد رنگ ببازد و پرده نمایش او دریده شود. اینک این تبلیغات فریبکارانه اثرشان را در میان گروه های تحت ستم و فقرزده از دست داده‌اند. قوه قضائیه حکومت از بدو تشکیل آن تا کنون یکی از نهادهای اصلی سرکوب و اختناق و پاسدار سرمایه داران و اشرافیت غارتگر حاکم بوده است. سرکوب سازمانهای سندیکایی، احزاب کارگری و رسانه های آزادیخواه و اعتراضات و اعتصابات کارگری همواره در راس برنامه های این نهاد ستمگر و عدالت ستیز قرار داشته است. از زمان گماردن ابراهیم رئیسی مدعی عدالتخواهی توسط خامنه‌ای بر مسند قوه قضائیه سرکوب تشکلهای مردمی و عدالتخواه و اعتراضات و اعتصابات کارگران و دیگر آزادیخواهان تشدید و خشونت و شکنجه علیه زندانیان سیاسی و مدنی بیشتر شده است. منظور از انتصاب وی به این سمت نیز غیر از این نبوده است. او برای انجام عدالت نیامده است. برای سرکوب عدالتخواهان و جنبش های عدالتخواهی آمده است. عملکرد تا کنونی وی نیز این را نشان می دهد. از زمان سپردن ریاست قوه قضایی به وی تا کنون، دهها تن از عدالتخواهان راستین به دلیل اعتراض به بی عدالتی و محرومیت از آزادی به زندان و به شلاق و شکنجه محکوم شده‌اند. بیش از ۲۰ کارگر هفت تپه از کار بیکار و تحت پیگرد قضایی قرار دارند، تنها در هفته گذشته ۷ نفر از فعالین عرصه کارگری بازداشت شده‌اند. اسماعیل عبدی رهبر کانون صنفی معلمان به ۱۰ سال زندان تازه محکوم شده است. حبیبی، و چند تن دیگر از رهبران معلمان، شماری از اعضای سندیکاهای واحد و نیشکر، جعفر عظیم زاده و دو تن دیگر از رهبران اتحادیه آزاد کارگران...، در دوره ریاست رئیسی به زندان محکوم شده‌اند. برای دهها کارگر دیگر از کارگران آذربایجان گرفته تا کارگران پتروشیمی، پرونده امنیتی تشکیل شده است.



دلیل اخراج و تشکیل پرونده و به زندان افتادن همه اینها، اسماعیل بخشی، احمد نجاتی سپیده قلیان ها و اعضای کانون نویسندگان... چیزی غیر از عدالتخواهی و آزادی نبوده است. همه آن چند هزار نفری که ابراهیم رئیسی در قتل عام آنها در سال سیاه ۶۷ سهم داشته نیز گناه بزرگشان به غیر از عدالت و آزادیخواهی نبوده است. با یک چنین پرونده و عملکردی دخیل بستن به رئیسی و دستگاه قضایی و انتصاب او در شرایطی که اعتراضات گروه‌های اجتماعی مختلف سراسر کشور را در بر گرفته چیزی جز فریبکاری با مقاصد سئو نیست.

تشکلهای وابسته به حکومت اگر از رئیسی حمایت می کنند، به خاطر آن است که رئیسی با سرکوب تشکلهای واقعی به بقای آنها کمک می کند و برای آنها و رئیسی حفظ نظام بر همه چیز ارجحیت دارد. بهمین جهت است که "رئیس کانون بازنشستگان صنایع مخابرات راه دور و عده دیگری از روسای کانون شوراهای اسلامی" به رغم بی حاصل بودن مراجعات شان به رئیسی همچنان در مورد وی توهم افکنی می کنند. امام زاده "رئیسی" کور اگر نکند. شفا نمی دهد! تنها خود کارگران هستند که اگر خودشان را سازمان بدهند و مبارزه کنند، طلب های مزدی شان را که سهل است، رژیم های ستمگر را می توانند از سر راه خود بردارند. این شعار نیست تجربه آزموده شده و درس گراندتر تاریخ است!

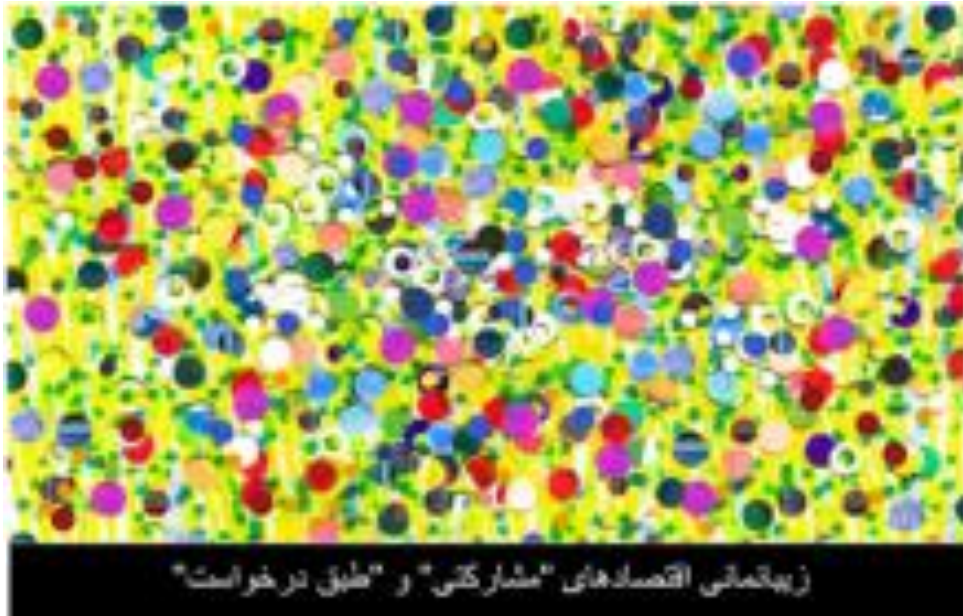


زندان سیاسی، آزاد باید گردد!



اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و پساکسرمایه داری بخش سوم

آدام بوث



برآمد رانت خواران

ادعا می شود که مشخصه اقتصاد "شراکتی" تبدیل مالکیت خصوصی به اجاره است و شرکتهایی که این اجاره پایایی را ممکن می کنند - یعنی عرضه و تقاضا را به هم می رسانند - بخشی از اجاره را به عنوان سود دریافت می کنند. از این منظر تفاوت بسیار مهمی بین اقتصاد "شراکتی" و سرمایه داری کلاسیک وجود دارد: به عوض آن که سود سرمایه برشی از ارزش اضافی ای باشد که در روند تولید خلق می شود، شرکتهایی که در مرکز اقتصاد "شراکتی" قرار دارند، سودشان را با گرفتن بخشی از اجاره کسب می کنند. اما مگر این "اجاره" چیزی غیر از ارزش اضافی است که در جریان تولید ایجاد شده است؟

مارکس در کتاب مشهورش، *کاپیتال*، توضیح می دهد که تمام انواع ارزشهای جدید در یک اقتصاد در اقدام به کار حاصل می شوند و ارزش اضافی چیزی نیست مگر کار پرداخت نشده طبقه کارگر؛ ارزشی که توسط کارگران در ورای دستمزدی که دریافت می کنند، ایجاد می شود و سرمایه داران به مفتی آن را به جیب می زنند.

این ارزش اضافی متعاقباً به صورت سود، بهره و اجاره تقسیم می شود. بنابراین صاحبان پول و سرمایه (بانکها و سرمایه گذاران) که بابت پول شان بهره می گیرند و صاحبان املاک (زمینداران) که بابت زمین شان اجاره می گیرند، خود هیچ گونه ارزشی ایجاد نمی کنند، بلکه صرفاً به بازتوزیع ارزش و ارزش اضافی ای دست می زنند، که بیشتر در جریان تولید کالا ایجاد شده است.

از این رو با برآمد اقتصاد "شراکتی" ما در واقع در مقیاس وسیعی شاهد برآمد نوعی سرمایه داری انگلی جویای اجاره ایم. "انقلاب" عمده اقتصاد "شراکتی" همانا تبدیل مالکیت شخصی به مالکیت خصوصی بوده است، یعنی



تبدیل دارانی خصوصی ملیونها مردم عادی (خانه، ماشین، ...) به منبعی برای سود سرمایه دارانه [برای سرمایه داران] بوده است. ساده بگوئیم، اقتصاد "شراکتی" دارائیهای شخصی خرد را به سرمایه تبدیل کرده است.

ضمن این که ممکن است ایربی ان بی و شرکتهای مشابه به استقرار مؤثرتر برخی از منابع و بهبود آنها کمک کرده باشند، اما آنها هرگز اقدامی برای سرمایه گذاری مجدد سودهای حاصله شان برای رفع کمبودها در هر جا که باشند، نمی کنند. به عبارت دیگر آنها برای تکامل نیروهای مولد هیچ اقدامی نمی کنند.

مورد ایربی ان بی یک نمونه کامل است. این بازیگر بزرگ اقتصاد "شراکتی" از این واقعیت که در جامعه کمبود مسکن و اقامت قابل پرداخت وجود دارد، به افراط سود می برد. اما این سود هنگفت را، به عوض تجدید سرمایه گذاری برای حل مسئله مسکن - که در یک جامعه با برنامه سوسیالیستی اتفاق خواهد افتاد - صرف ریخت و پاش و تبلیغات و بازاریابی برای گسترش سهم خود از بازار می کند. این مبنای کل مدل کسب و کار اقتصاد "شراکتی" است.

در عین حال مثالهای بسیاری وجود دارند که نشان می دهند ایربی ان بی به عوض آن که به حل بحران مسکن کمک کند، در واقع مسئول وخامت آن است. بسیاری از ملاک و زمینداران که پیشتر املاک شان را به اجاره بلندمدت می دادند، اکنون به تبدیل آنها به خانه های مسافرتی و اقامتگاه های کوتاه مدت - با اجاره های بسیار بالاتر از اجاره بهای بلندمدت - روی آورده اند. پس ایربی ان بی به عوض استقرار مؤثرتر منابع عملاً به تشدید محدودیتها خدمت کرده است.

نمونه اوبر نیز همین نکته است. در این مورد نیز سروکار ما با شرکتهای است که به علت وضع نابسامان حمل و نقل عمومی در بسیاری از شهرهای دنیا، سود خارق العاده ای را نصیب خود می کند. اما به عوض سرمایه گذاری این سود هنگفت در بخش حمل و نقل عمومی، اوبر هم - مثل ایربی ان بی - این سود را صرف تبلیغات و بازاریابی می کند. البته مادام که اوبر یک شرکت خصوصی است، طبعاً شرکتهای در جستجوی سود بیشتر خواهد بود و این امری بدیهی است. اوبر، ایربی ان بی، و دیگر شرکتهای مشابه تماماً از قوانین و منطق سیستم سرمایه داری تبعیت می کنند، که بر رقابت و پیگیری سود استوار است.

به همین ترتیب، شرکتهایی که در اقتصاد "طبق درخواست" فعال اند، با "خویش فرما" نامیدن کارگران خود (به عوض استخدامی و کارگر) از قبول هر تعهدی برای تأمین شرایط کار، حقوق جنبی کار، لوازم مورد نیاز، آموزش آنان و ... اجتناب می ورزند. آنها نیز به جای سرمایه گذاری برای بهبود مهارتها و ابزارهای نیروی کار، و بنابراین به جای کمک به افزایش تولیدوری در بخشهای این اقتصاد، فقط از بیکاری توده گیر، و فراوانی کار ارزان قیمت و غیرتولیدی موجود در تمام عرصه های جامعه - که خود ماحصل بحران سرمایه داری است - بهره می برند و به ثروت خود می افزایند. این شرکتهای نیز به جای کمک به توسعه نیروهای مولده، عملاً از عوارض ناشی از رکود در جامعه سود می برند.

خصوصی سازی را متوقف کنید!



مهاجرین، سازماندهی و هژمونی گزینشی در منطقه آزاد اقتصادی جنوب شرق آسیا- مکونگ بخش ۴۱

دنيس آرنولد

ترجمه: گودرز



فصلی از کتاب مساله اجتماعی در قرن بیست و یکم – نگاهی به جهان: انتشارات دانشگاه کالیفرنیا ۲۰۱۹ منطقه آزاد تجاری مای سوت

منطقه آزاد تجاری صنعتی مای سوت تک از همان آغاز در مرکز بحث مراکز آزاد بوده است. این محدوده ۱۴۱۹ کیلومتر مربع را شامل می شود و از سه ناحیه ویژه مرزی تشکیل شده است. مای سوت یک دروازه حیاتی برای کریدور تجارت، سرمایه گذاری، توریسم و ترابری بین تایلند و میانمار است که تا رانگون پایتخت این کشور و بندر "دیپ سی" و منطقه آزاد تجاری آن به نام داوی ادامه می یابد. علاوه بر این دیپ سی، واقع در کریدور اقتصاد شرق-غرب دانانگ-ویتنام به داوی-میانمار، به عنوان ایستگاه تدارکاتی، و مرکز توزیع و عرضه کالاهای خرد هم تبلیغ می شود. همان طوری که قبلاً گفته شد تقریباً دو دهه است که اینجا مرکزی برای تولید صنایع سبک بوده است و بسیاری از اقتصاددانان و ناظران معتقد هستند که از نظر استراتژیک می تواند در تصاعد با مرکز مشابه در میاواوی - منطقه آزاد صنعتی در میانمار، تنها ده کیلومتر در داخل میانمار - به افزایش بازدهی اقتصادی مناطق آزاد تجاری در این ناحیه بیافزاید.

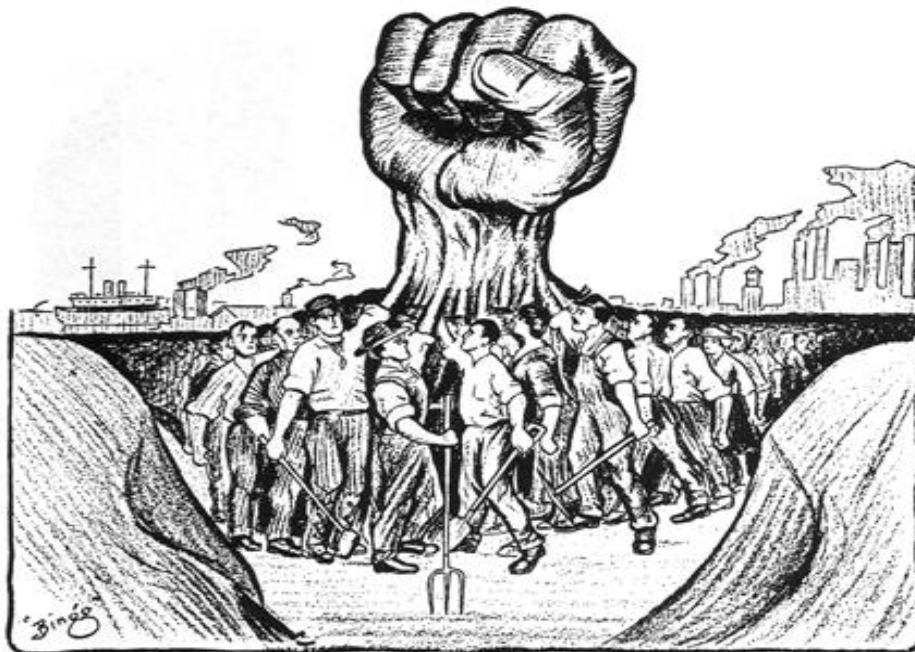
این ناحیه، که مدتهاست تایلند را به عنوان مرکز "طبیعی" و فعالیت های ژئو-اقتصادی برای حفظ تجارت کم ارزش به عنوان تله ای برای تمکین طبقه میانه در منطقه می شناسد، در نگرانی های ژئوپولیتیک آشفته شده است. جاسازی مناطق مرزی در زیر مجموعه تولید صنعتی، تجارت و ترابری در منطقه پروژه ایست که از گسست ایهام نسبی و سیاست موقت بازسازی تا جایگاه ثابتی در برنامه ریزی توسعه ملی را دربر می گیرد. در ترکیب با تذکرات بخش های گذشته و مکث بر کنترل نیروی کار در گستره مرز های ملی، اجزایی از برنامه ریزی توسعه در مدل هر می از بالا به پایین در حال شکل گیری هستند. اما هنوز روشن نیست که پروژه مناطق آزاد، در تصاعد با رژیم تامین اجتماعی پاسخ مناسبی به درخواست کارفرمایان برای توان کنترل نیروی کار مهاجرین که نیازمند بازسازی اقتصاد متزلزل است، داشته باشد. اما واضح است که حکومت نظامیان در حال انتقال افسار پروژه هژمونیک گزینشی خود در زیرمنطقه مراکز آزاد اقتصادی به کارفرمایان در این نواحی است.



منطقه آزاد باوت

پروژه مناطق آزاد صنعتی و تجاری در کامبوج اضطرار بیشتری از وضعیت تایلند دارد. دولت کامبوج بدون زیرساخت های پیشرفته و گنجایش تدارکاتی و با از دست دادن کنترل نیروی کار قدم هایی را باید برای راضی کردن و دادن تضمین به سرمایه گذاران نامطمئن بردارد و محیط را برای اشتغال نیروی کار ارزان و پروکاریا در منطقه آزاد تأمین نماید. دولت بیش از سی منطقه آزاد را از سال ۲۰۰۵ تا کنون تصویب کرده است: ۱۱ پروانه در سال ۲۰۱۴ با ۱۴۵ کمپانی و حدود ۶۸ هزار شغل. یک منطقه در پنوم پن و بقیه در مناطق مرزی کامبوج با ویتنام و تایلند و مناطق ساحلی سیهانوک ویل و گه کونگ قرار گرفته اند. در مقام مقایسه با تایلند مراکز آزاد کامبوج کوچک تر اند، حدوداً پنجاه تا هزار هکتار. دولت مرکزی احداث و اجرای این مناطق را طبق توصیه های جهانی به بخش خصوصی واگذاشته است، در حالی که در تایلند بیشتر مناطق وسیله دولت و بخش عمومی احداث و اداره می شوند.

سرمایه گذاری در صنایع سبک، مانند تولید پوشاک و کفش و مونتاژ دوچرخه همه جا دیده می شود. منطق پشت منطقه آزاد باوت در واقع نزدیکی به شهر هوشی مین و تأسیسات بندری نزدیک آن برای واردات کالاست و هزینه کمتر برای ترانزیت نسبت به مناطق آزاد دورتر از مراکز جمعیتی ناحیه. کمی دورتر. کامبوج برای بازار گزینشی خود اتحادیه اروپا را ترجیح می دهد. تحت قانون همه چیز، به جز سلاح، بدون قیمت گذاری و سود گمرکی و محدودیت برای کشورهای توسعه نیافته تولید می شود. در باوت پنج منطقه آزاد در حال کار هستند که چهل هزار کارگر را در استخدام خود دارند.



Solidarity, June 30, 1917. The Hand That Will Rule the World—One Big Union.

به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!



ضرورت مبارزه با سه تغییر ضد کارگری تازه دولت روحانی!

صادق



در دشمنی همه دولتهای بعد از انقلاب با حقوق زحمتکشان و عدالت اجتماعی جای تردید نیست. همه آنها هر یک به سهم خود در فقر و فلاکتی که اینک گریبان سه چهارم جمعیت کشور را (بنا به آمارهای خودشان) گرفته نقش داشته و وضعیت امروز جامعه نتیجه عملکرد کل حاکمیت است. تنها تفاوت بین دولتها در خصوص پایمال سازی حقوق زحمتکشان تا کنون در شیوه هایی بوده است که در این خصوص بر حسب شرایط روز بکار گرفته اند. سرکوب سازمانهای سندیکایی و شورایی و احزاب کارگری از همان روزهای نخست بعد از به قدرت رسیدن رژیم در واقع تلاشی بود برای فراهم کردن زمینه از بین بردن حقوقی که جنبش کارگری طی قریب یک قرن مبارزه پرهزینه سنگر به سنگر کسب کرده بود.

نخستین پیشنویس ارتجاعی قانون کار که توسط احمد توکلی وزیر کار (دولت انقلابی) و از اعضای جریان مونتلفه اسلامی ارائه شد در واقع مانیفست رژیم جدید در خصوص حقوق کار بود که به رغم پذیرفته نشدن در آن مقطع پس از سرکوب وحشیانه سازمانهای کارگری و جریانات سیاسی مترقی و عدالخواه به تدریج تا کنون به صورت تمام و کمال توسط دولتهای تا کنونی به اجرا گذاشته شده است. قراردادهای اسارتبار کار، محرومیت از حق تشکل دستمزدهای یک چهارم خط فقر، افزایش ساعات کار، ندادن مزایا و دستمزدها... از نتایج و پیامدهای میان برداشتن حقوق کار و سندیکایی زحمتکشان هستند. سالهاست که کارگران آن را با پوست و گوشت خود لمس کرده و می کنند. با این حال دولتهای رفسنجانی، احمدی نژاد و روحانی از میان دولتهای تا کنونی نقش بیشتری در از میان برداشتن قوانین حمایتی کار داشته اند. وسعت تعرض به حقوق کار در دو دولت روحانی حتی بیشتر از دولتهای رفسنجانی و احمدی نژاد بوده است. فقر و فلاکت نیز در دوره روحانی بیشتر از دوران ریاست جمهوری دولتهای گذشته بوده است. تعرض وحشیانه و بی رحمانه نئولیبرالهای اقتصادی در دولت روحانی به حقوق کار با وجود همه مصائبی که برای زحمتکشان داشته همچنان ادامه دارد. این تعرض در حالی که چند ماه بیشتر به پایان عمر دولت روحانی نمانده در هفته های اخیر تشدید شده است. هم اکنون دولت در نظر دارد قبل از به سر آمدن



دوره ریاست جمهوری روحانی سه تغییر عمده ضد کارگری دیگر در قوانین کار و تامین اجتماعی بوجود آورد. تغییر در قانون تامین اجتماعی، تغییر در قانون بیمه بیکاری و تغییر در تعیین حداقل دستمزد که با عنوان "منطقه‌ای کردن دستمزد از آن نام می‌برند. این تغییرات که هم اکنون مدیران دولتی و روسای اتاق بازرگانی با سرعت مشغول انجام آنها تا قبل از پایان ریاست جمهوری روحانی هستند همگی علیه حقوق کارگران هستند. با وجود این که قانون بیمه بیکاری و قانون فعلی تعیین دستمزد قوانین ناکاملی هستند، با این اوصاف تغییراتی که قرار است در آنها انجام شود اندک فوایدی را که برای کارگران دارند از بین می‌برد. تغییر در قوانین تامین اجتماعی از همه بدتر است. بعنوان نمونه یکی از اهداف آن محدود کردن شرایط قانون بازنشستگی کارهای سخت و زیان آور به نحوی است که تنها شامل عده قلیلی گردد. تغییر این قانون می‌تواند باعث شود که شمار بزرگی از کارگران که در کارهای سخت و بیماری زا کار می‌کنند، قبل از بازنشسته شدن جان بسپارند و به دوران بازنشستگی نرسند. دارند این تغییرات را کم سر و صدا انجام می‌دهند تا کارگران به موقع از کم و کیف آنها بی‌خبر بمانند و فرصت کنش و واکنش نداشته باشند. جناح رقیب روحانی نیز سکوت کرده زیرا که آنها نیز این تغییرات را بسود خودشان می‌دانند و ترجیح می‌دهند رقبیشان هزینه احتمالی آنرا بپردازد و کار دولت آنها را آسان کند. سکوت کارگران در مقابل این تغییرات بر زندگی، معیشت و شرایط کاری شان اثرات منفی اجتناب ناپذیر می‌گذارد. فعالین کارگری لازم است ضمن اطلاع رسانی در مورد ماهیت این اقدامات کارگران را علیه آنها بسیج نماید. افشاگری خوب اما ناکافی است. سازمانگری باید کرد!



بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



۱۰ سال زندان دیگر برای اسماعیل عبدی

کانون صنفی معلمان تهران در بیانیه‌ای که در ۲۳ مهر متن آن منتشر شد، خبر تائید حکم ۱۰ سال زندان دیگر برای اسماعیل عبدی رهبر پیشین و فعال برجسته و حق طلب کانون صنفی معلمان را تائید کرد. کانون صنفی معلمان (تهران) در بیانیه خود که بهمین مناسبت منتشر کرد ضمن محکوم کردن این حکم و اعتراض کانون به آن خواستار "بلغو حکم ده سال زندان اسماعیل عبدی و آزادی هر چه سریع‌تر او، محمدحبیبی و دیگر زندانیان دربند همانند" شد. ما نیز تائید حکم ۱۰ سال زندان علاوه بر حکم ۶ سال پیشین آقای عبدی را به شدت محکوم و خواستار آزادی بی قید و شرط ایشان و همه کسانی هستیم که به دلیل فعالیت های صنفی، مدنی، سیاسی و دگر اندیشی با نقض حقوق شهروندی و اجتماعی شان ظالمانه به زندان افتاده‌اند.

اعتصاب در کارخانه ایران خودرو تبریز

۱۴۳۰ کارگر کارخانه ایران خودرو تبریز به نوشته خبرگزاری ایسنا در ۱۹ مهر به دلیل پرداخت نشدن دستمزد ماه گذشته شان اعتصاب کردند. این اعتصاب بعد از دادن وعده پرداخت طلب دستمزدی کارگران توسط مدیر عامل کارخانه پایان یافت. پرداخت نکردن دستمزد کارگران خودروسازی در شرایطی است که قیمت خودرو به طرز سرسام آوری افزایش پیدا کرده و ده‌ها هزار نفر متقاضی خرید خودرو در صف تحویل گرفتن خودرو به سر می‌برند. بهمین دلیل ندادن دستمزد به بهانه مشکل مالی را کسی قبول نمی‌کند!

اعتصاب در هفت تپه

کارگران بخش کشاورزی هفت تپه در ۲۳ مهر در اعتراض به پرداخت نشدن کامل دستمزدهای دو ماه اخیر دست از کار کشیدند. به نوشته خبرگزاری ایلنا کارگران پس از گرفتن قول پرداخت کردن یک ماه طلب مزدی شان توسط کارفرما به اعتصاب شان خاتمه دادند. به گزارش سندیکای کارگران هفت تپه در ۱۹ مهر نیز تجمع دیگری توسط کارگران بخش صنعت و تجهیزات هفت تپه در اعتراض به عدم اجرای قول و قرار پرداخت طلب مزدی کارگران در موعد توافق شده برگزار شد. در تجمع مذکور که پس از دادن قول پرداخت مطالبات کارگران تا پایان



هفته خاتمه یافت، یوسف بهمنی و امید آزادی دو تن از سخنگویان و نمایندگان کارگران در طول اعتصاب دوماه و نیمه کارگران برای کارگران سخنرانی کردند.

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی

کارکنان سازمان تامین اجتماعی در ۲۰ مهر با برگزار تجمع در مقابل مجلس خواستار استفساریه قوانین بازنشستگی شاغلین مشاغل سخت و زیان آور توسط مجلس شدند. گفتنی است که از مدتها پیش مدیریت تامین اجتماعی از بازنشسته کردن اکثر گروه های شغلی مشمول قانون کارهای سخت و زیان آور که به سن بازنشستگی رسیده اند طفره می رود. همین موضوع به یک رشته اعتراض در میان افراد مشمول قانون با مسئولین تامین اجتماعی از یک سو و کارکنان تامین اجتماعی با این افراد و مدیریت تامین اجتماعی از سوی دیگر گردیده است. بهمین جهت کارکنان تامین اجتماعی برای خلاصی از این بی تکلیفی و درگیری ها به مجلس رجوع کرده اند. طفره رفتن تامین اجتماعی از انجام این قانون در واقع جزئی از سیاست کلان دولت مبنی بر تعدیل هرچه ممکن حقوق نیروی کار و ارزان سازی این نیرو است که بدرستی با واکنشهای اعتراضی بسیاری از کارگران روبرو گردیده است.

ادامه اعتراضات بازنشستگان به طفره دولت از انجام درست قانون همسان سازی

اعتراضات بازنشستگان نسبت به عدم اجرای درست قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان به رغم فریبکاری ها و توجیحات مسئولین دولتی همچنان در نقاط مختلف کشور ادامه دارد و بازنشستگان به اشکال مختلف علیه آن اعتراض می کنند. دولت که حاضر به اجرای قانون نیست از عنوان (متناسب سازی) بجای همسان سازی استفاده می کند!

در ۲۰ مهر بازنشستگان اراک نیز با برگزاری تجمع در مقابل کانون بازنشستگان این شهر نسبت به طفره رفتن دولت از اجرای درست قانون اعتراض و خواستار همسان سازی بطور واقعی شدند.

تجمع پرستاران و کادر درمانی اهواز

پرستاران شرکتی و سایر کادر درمانی اهواز در ۲۰ مهر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و طلب مزدی شان در مقابل ساختمان علوم پزشکی این شهر تجمع و خواستار پرداخت منظم دستمزد و حقوق شان شدند.

تجمع اعتراضی کارکنان آتش نشانی در آبادان

کارکنان سازمان آتش نشانی آبادان در ۲۱ مهر با پهن کردن سفره خالی نسبت به وضعیت بد معیشتی شان اعتراض نمودند. خواستهای معترضین پرداخت منظم دستمزد و مزایا همراه با فیش حقوق، سروسامان دادن به وضعیت نابسامان بیمه ای، دادن وسایل ایمنی، مانند کفش و لباس کار، و تجهیزات مورد نیاز شغلی آتش نشانان است. پرداخت مزد پایه و در اختیار قرار ندان فیش های حقوقی در واقع ترفندی است برای فراهم کردن زمینه قطع مزایای قانونی مزدی و کاهش دستمزدها بجای افزایش آن در اوج گرانی و تورم! اگر کارگران هوشیار نباشند و با آن مبارزه نکنند بزودی به یک نرم سراسری تبدیل خواهد شد.

تجمع کارگران پتروشیمی دهلران

۱۲۰ نفر از کارگران پتروشیمی دهلران که با ۴ ماه طلب مزدی از کار اخراج شده اند، در ۱۹ مهر با انجام تجمع مقابل این شرکت نسبت به پرداخت نشدن دستمزد و اخراج از کار به اعتراض برخاستند و خواستار بازگشت به کار و پرداخت طلب دستمزدی خود شدند. علت اخراج ظاهرا وجود مشکلات مالی است که معلوم نیست چقدر واقعیت دارد.



تجمع اعتراضی مربیان پیش دبستانی در خوزستان

شماره از مربیان پیش دبستانی خوزستان که به دلیل استخدام رسمی نبودن در دوران کرونا بی حقوق و دستمزد مانده‌اند در ۱۹ مهر با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل اداره آموزش و پرورش استان، خواستار استخدام و رفع بلا تکلیفی خود شدند. خبرگزاری ایلنا از قول مربیان معترض که با وجود ۸ سال سابقه کار اداره آموزش و پرورش خوزستان به رغم نیاز به کار آنها از استخدام و حتی دادن حقوق در دوران بیکاری ناخواسته شانه خالی می‌کند نوشت: "به گفته این مربیان، ماه‌هاست که بلا تکلیفی و نبودن درآمد ادامه دارد؛ این مربیان می‌گویند: کرونا ما را از چرخه اشتغال کامل حذف کرده است؛ هیچ منبع درآمدی نداریم و حق بیمه ۷۰۰ هزار تومانی را خودمان به حساب تامین اجتماعی می‌ریزیم."

تجمع کارگران شهرداری اروند کنار و قروه

متأسفانه فشار بر کارگران زحمتکش و پرتلاش شهرداریها در شهرهای مختلف همچنان ادامه و در حال فزونی‌اند. مهمترین عوامل این فشارها ندادن به موقع دستمزدهای اندک و رد نکردن حق بیمه آنهاست. وجود این فشارها که باعث گرسنه ماندن خانواده‌های آنها گردیده موجب تجمعات اعتراضی همه روزه این گروه از کارگران گردیده است. در این هفته نیز تجمعاتی از طرف کارگران شهرداریهای مختلف از آن جمله در اروندکنار و سریش آباد قروه کردستان برگزار شد. کارگران معترض در هر دوی این تجمعات خواستار پرداخت منظم طلب مزدی و حق بیمه‌های شان شدند. مهمترین دلیل رفتار ظالمانه با کارگران شهرداریها سپردن امور کارهای شهرداریها به شرکت‌های پیمانکار و نگرفتن تعهد برای رعایت حقوق کارگران آنها توسط مدیران شهرداریهاست.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

دولت باید معاش تهی‌دستان و آسیب‌دیدگان

کرونا را تامین کند!